

مرتضی گل پور  
خبرنگار

«روحانی در اداره اقتصاد بدون نفت رکورد دکتر محمد مصدق را شکست.» سعید لیلاز، اقتصاددان و تحلیلگر مسائل سیاسی، لیلاز با چنین نگرشی که مبتنی بر واقعیت‌های تاریخی است، معتقد است معضلات و مشکلات کشور، اصولگرایی یا اصلاح طلبی نیست که حالا رویکرد اصلاح طلبانه یا اصولگرایانه هم داشته باشد. این نقدی است به برخی چهره‌های نوظهور سیاست و تقنینی کشور که خواستار بازگشت روحانی از سیاست‌های ۷ سال گذشته خود شده‌اند. مطابق رویکرد لیلاز، چنین درخواستی، تنها بر نگاه سیاسی و جناحی به مسائل مبتنی است که البته سعی می‌شود رنگ و بوی ایدئولوژیک و آرمانی هم داشته باشد. اما طرح کنندگان این درخواست، حامدانه چشم خود را بر واقعیت‌های دولت روحانی و مبارزه نفسگیر و بی‌امان آن با فشارهای حداکثری امریکایی‌بندند که در طول تاریخ بی‌سابقه است. لیلاز در این گفت‌وگو، گزاره بحث برانگیز خود مبنی بر اینکه امروز وقت مصالحه با امریکانیست را هم توضیح می‌دهد. او می‌گوید مخالف مصالحه شرافتمندانه نیست، کما اینکه امروز مشکلاتی که در تجارت خارجی بدون نفت وجود دارد، موانع زیادی برای کشور ایجاد کرده است اما الان زمان مناسبی برای گفت‌وگو با ترامپ نیست.

لیلاز معتقد است که وضعیت کشور به‌سمت ثبات و آرامش می‌رود و اگر تا مرداد ماه دوام بیاوریم برنده مصاف با امریکا هستیم. این نظرا می‌توان متناظر با رویکرد عباس عیدی، دیگر تحلیلگر اصلاح طلب دانست که به «ایران» گفته بود «همه شاخص‌ها به‌سمت بی‌ثباتی می‌رود که عمده آنها شاخص سیاسی است.» منظور اینکه هر نوع پیشرفت در خارج یا حل مسائل در داخل، نیازمند سازش و کاهش تنش در سیاست داخلی است. خلاصه اینکه؛ ایران ما امروز نیازمند آبادانی درون خانه است.

■ در گفت‌وگوهای گذشته خود، با

ارائه آمارها و شاخص‌ها نشان دادید که دست‌کم در فاصله ۹۲ تا ۹۴ که تحریم بودیم و برجامی هم وجود نداشت، وضع اقتصادی کشور، بویژه در زمینه حمایت از افشار ضعیف بسیار بهبود یافته بود. اما امروز رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس، بدون اشاره به این اقدامات و دستاوردهای دولت، به رئیس جمهوری نامه نوشتند که از مدیریت ۷ سال خود بازگردید. باتوجه به این دو گزاره، سؤال ما این است که آیا در کشور مسائل و مشکلات، اصولگرایی و اصلاح طلبی است که راه حل اصولگرایانه یا اصلاح طلبانه داشته باشد؟

من این‌طور به مسائل نگاه نمی‌کنم. من معتقدم هرکسی بر مبنای منافع خود و اینکه در کجای سپهر سیاست و توزیع منابع ایستاده است، تصمیم می‌گیرد. من مسأله را براساس منافع می‌بینم و فکر می‌کنم دوستان ما به‌عنوان رؤسای کمیسیون‌های تخصصی مجلس، درواقع به‌عنوان تازه‌واردها می‌خواهند بگویند بازی، بازیگران جدیدی دارد. درغیر این صورت، اگر از منظر کارشناسانه به مسائل نگاه کنیم، می‌بینیم که به استثنای فاصله دی ماه ۹۶ تا مرداد ۹۷ (توجه کنید که من به دقت به این تاریخ اشاره می‌کنم) عملکرد دولت آقای روحانی را کاملاً قبول دارم و موفق می‌دانم.

■ دولت در چه شاخص‌هایی موفق بوده است؟

ما در همه زمینه‌ها موفقیت داشتیم، هم رشد اقتصادی ایران احیا شد، هم توزیع درآمد. قدرت خرید طبقه کارگر ایران که تا سال ۱۳۹۲ نسبت با سال ۱۳۸۹ حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد کاهش یافته بود، تا پایان سال ۹۶ دوباره احیا شد. یعنی اولین بار در تاریخ ایران بود که قدرت خرید کارگران از طریق افزایش دستمزد اضافه شد. معمولاً ما فراموش می‌کنیم یا رؤسای محترم کمیسیون‌های مجلس فراموش کرده‌اند که درآمد ارزی بهترین سال دولت آقای حسن روحانی، معادل درآمد ارزی در بدترین سال دولت آقای احمدی‌نژاد بود. یعنی کاهش قیمت جهانی نفت خام، همه آثار مثبت برجام را محو کرد، به‌گونه‌ای که درآمد ارزی در سال ۹۴ به ۳۳ میلیارد دلار رسید، همچنان که درآمدهای ارزی در بهترین سال دولت آقای روحانی که سال ۹۶ بود، معادل درآمدهای ارزی سال ۹۲ بود که بدترین سال از نظر درآمد ارزی در دوره اول تحریم محسوب می‌شود. در واقع هیچ‌گاه دولت آقای روحانی و فقور درآمدهای ارزی را تجربه نکرد. باوجود این ما موفق شدیم اقتصاد ایران را احیا کنیم، کما اینکه رشد اقتصادی ایران در سال ۹۵ از رکورد خود در سال ۱۳۹۰ عبور کرد و شاخص تولید صنعتی نیز به ۱۰۶ تا ۱۱۰ واحد رسید. آن هم نسبت به سال ۹۰، یعنی قبل از شروع دور نخست تحریم‌ها علیه ایران. از سوی دیگر امروز تولید مواد غذایی ایران حدود ۱۴۰ میلیون تن است. بگذارید این‌طور بگویم؛ سعید لیلاز به‌عنوان یک مورخ که درس خود را خوب خوانده است، ادعا می‌کند که از حمله مغول به این سو، هرگز فشاری مانند فشار امروز به ایران وارد نشده است. سراغ ندارم که ملتی یا کشوری به اسم ایران، از سال ۶۱۸ هجری قمری که چنگیز به ایران حمله کرد، تا امروز، چنین فشاری را

تحمل کرده باشد. در ۸ قرن گذشته چنین فشاری بر ملت ایران بی‌سابقه بوده است. باوجود این، آیا شما در ایران هیچ اثری از قحطی می‌بینید؟ هیچ اثری از مشکلاتی که در عراق دوره تحریم بود یا مشکلاتی که در ونزوئلا هست، می‌بینید؟ بله، می‌دانم که ما امروز با چه فقری یا چه توری دست به گریبان هستیم، می‌دانم که هر هفته هزاران انسان به زیر خط فقر رانده می‌شوند، همه این‌ها را می‌دانم. اما از آن طرف این را هم می‌دانم که فشاری که بر ایران وارد می‌شود، بی‌سابقه است.

■ در تقسیم‌بندی مسائل امروز ما، دو موضوع نفت و تحریم را از هم تفکیک می‌کنید؛ کدام را مؤثرتر می‌دانید؟

حتماً نفت. من هیچگاه عنصر خارجی را در اقتصاد ایران عامل تعیین‌کننده نمی‌دانم. اساساً از جنگ جهانی دوم به این سو، هیچ‌گاه عنصر یا عامل خارجی را تعیین‌کننده نمی‌دانم. حتماً عنصر خارجی مؤثر و مهم است، اما تعیین‌کننده نیست. به عبارت دیگر، درنهایت تحریم‌ها اوضاع را تشدید می‌کند یا تخفیف می‌دهد. چنانکه آقای روحانی یا آقای همتی از شهریور ۱۳۹۷ به بعد، که اعمال مدیریت را آغاز کردند، دیدیم که مسأله جمع شد. درست است که در این مدت قیمت دلار دو برابر شده است، اما از طرف رشد نقدینگی هم دو برابر شده است. ببینید! من معتقدم در بهترین سال دولت آقای روحانی ۵۶ میلیارد دلار کالا به ایران وارد شد. اگر این میزان واردات یکباره صفر شود، سهم آن در اقتصاد ایران ۶ درصد است، بقیه مسائل به مدیریت مربوط است. براساس شاخص بین‌المللی قدرت برابری خرید، ایران سالانه حدود ۱۲۰۰ میلیارد دلار تولید دارد، بنابراین جایی که حکومت و دولت خواسته است، توانسته است اداره کند. چنانکه در زمینه بورس، ابتدای امسال یا اواخر سال گذشته، کارشناس یا سیاستمداری نبود که نگران فروپاشی بورس نبوده باشد، هرچند از ابتدا معتقد بودم این اتفاق نمی‌افتد. اما عملکرد دولت در این زمینه بسیار مثبت بود.

■ چرا شما باز زمانی دی ماه ۹۶ تا مرداد ۹۷ را استثنای می‌کنید؟ در این دوره چه اتفاقی افتاد؟

بانک مرکزی وقتی پول پاشی کرد. ■ یعنی همین حرفی که اخیراً آقای همتی، رئیس کل بانک مرکزی زد که ما برای ثبات بازار ارز، در بازی امریکا قرار نمی‌گیریم که بخواهیم دلار به بازار تزریق کنیم؟ دقیقاً و درست به‌دلیل همین سیاست‌های اخیر است که از همتی حمایت می‌کنیم. اما ما در آن ۷ تا ۸ ماه، خیلی چیزها از دست دادیم و اساساً آن میزان از طلا و ارز که از دست دادیم، تعیین‌کننده بود. من یکی از بخشنامه‌های امریکا را خواندم و به مقام عالی رتبه‌ای گفتم که یا شما آسوده خاطر هستید، یا من نمی‌فهمم که چه اتفاقی دارد می‌افتد، والا رفتار شما نشان نمی‌دهد که شما طوفان عظیمی را که در حال وزیدن است، درک کرده باشید.

■ چطور می‌توان تفاوت ادعایی در رفتار و مدیریت دولت، در دو سال ۹۲ تا ۹۴ یا دی ماه ۹۶ تا مرداد ۹۷ را توضیح داد؟ آیا می‌توان از منظر اقتصاد سیاسی این مسأله را تبیین کرد؟

حتماً می‌توان از نظر اقتصادی آن را تبیین کرد. اما بخواهیم صادق باشیم،



ارزیابی سعید لیلاز از وضعیت کشور و عملکرد دولت در گفت‌وگو با «ایران»

# دولت روحانی رکورد مصدق در اقتصاد بدون نفت

تا مرداد دوام بیاوریم بازی را برده‌ایم

«

من مدیریت کرونا آقای روحانی را بسیار موفقیت‌آمیز می‌دانم. یا مدیریت دولت در بورس را که می‌توانست یک بحران امنیتی برای کشور ایجاد کند، بسیار موفق می‌دانم. اساساً حرکتی که در بورس صورت گرفت، حرکتی در جهت منافع توده‌های فقیر مردم ایران بود. شما روزنامه نگارها نمی‌روید بررسی کنید که در دو ماه اخیر، یک میلیون خانوار از فقیرترین افشار ایران، النگوهای بچه‌های خود را فروختند تا سهام بخرند. اگر بورس فرو می‌ریخت، چه کسی می‌توانست کاری بکند؟ این کاری بود که دولت با سرعت انجام داد و البته مقام رهبری هم موافقت کردند که تصمیم بسیار مهمی است

■ آقای روحانی با چه رویکردی می‌خواست حمایت جناح راست را کسب کند؟

شاید آقای روحانی تصور می‌کرد با این سیاست، برخورد جناح راست با ایشان هم تفاوت خواهد کرد. البته تغییر رویکرد آقای روحانی بیشتر در دولت نبود داشت. شاید آقای روحانی می‌خواست نتیجه بیشتری بگیرد، اما برعکس شد. البته این را بگویم که به باور من هیچ اعتراضی نیست که زمینه اجتماعی نداشته باشد و من حق اعتراض را بخش لاینفک ربطی به تحریم‌ها ندارم. به همین دلیل من مخالف اثرگذاری جدی تحریم‌ها هستم، زیرا ما امروز مسائل داخلی خود را حل نکرده‌ایم. اما در پاسخ به این رویکرد، نه تنها وفاقی بیشتری حاصل نشد، بلکه حوادث دی ماه ۹۶ هم پدید آمد که به باور من، بخش زیادی از اعتراضات دی ماه ۹۶، ناشی از توطئه از درون بود. به عبارت دیگر، اتفاقات دی ماه ناشی از کشمکش‌های طبقات اجتماعی بود.

احمدی‌نژاد، از محل وام‌های کم بهره‌ای که بانک‌ها به افراد دادند، به ۱۰۰ تا ۲۰۰ هزار خانواده رانت خوبی داده شد و آنها را طبقه نوکسیه این دوره نامیدید.

حس من این بود که ۱۰۰ تا ۱۵۰ هزار خانوار بودند و به این ترتیب از این طریق بورژوازی جدیدی در ایران پدید آمد. طبیعتاً هر بار در هر یک از این تلاطم‌ها، یک بورژوازی جدید پدید می‌آید. می‌دانید که در هر دوره جدید، چه اتفاقی سر بورژوازی قبلی می‌آید؟ مقیم کانادا می‌شوند. ایران، کشوری شده است که مدام برای کانادا بورژوازی تولید می‌کند. به همین دلیل معتقدم پول پاشی درواقع کمک به آقای «جاستین تروود» و خدمت به دولت کاناداست. منظور من، هر نوع پول پاشی است، خواه از سوی آقای محمود بهمنی باشد، خواه آقای سیف یا همتی، خواه دولت احمدی‌نژاد باشد یا دولت خاتمی و روحانی، فرقی در وقتی آقای همتی می‌گوید من دیگر پول پاشی نمی‌کنم یا ارز به بازار تزریق نمی‌کنم، از او حمایت می‌کنم.

■ این قبیل منافع به کدام طبقات یا گروه‌ها رسیده است؟

حتماً به طبقات نزدیک به حاکمیت رسید. به این دلیل که شرکتی که تنها یک بازه زمانی دوا یا سه هفته‌ای تأسیس می‌شود و می‌تواند در همین مدت کارت بازرگانی بگیرد، حتماً سفارش کند و دلار بگیرد. همین حالا، شما آیا می‌توانید زودتر از یک ماه از اتاق بازرگانی تهران کارت بازرگانی بگیرید؟ دست‌کم گرفتن گواهی عدم سوء پیشینه یک زمان طولانی لازم دارد. پس در این مسأله حتماً فساد هم رخ داد. بنابراین کسانی که به منافذ قدرت یا امضاهای طلایی دسترسی داشتند (از این دلارها یا رانت‌ها بهره بردند) وگرنه چیزی عاید کارگر و کشاورز یا آدم‌های کف خیابان نشد.

■ جایی گفتید که در دوره آقای

این‌طور توضیح بدهم. به باور من ماده بر ذهن تقدم دارد، به این معنی که وقتی وفور پدید می‌آورد، از آن طرف فساد و ریخت و پاش هم پدید می‌آید. به عبارت دیگر، هرگاه وفور و ثروت باذآورده حاصل می‌شود، انضباط ندارد یا ماتریالیست و خداپرست ندارد، بلکه ایرانی و غیرایرانی هم ندارد. در ایالات متحده هم این اتفاق می‌افتد. همین حالا ادبیاتی در جهان شکل گرفته است به این معنی که با سقوط قیمت جهانی نفت خام، دولت نیروژ هم آسیب دیده است، آن هم نیروژی که تا سال ۲۰۱۵ میلادی ۹۰۰ میلیارد دلار از محل مازاد منابع نفتی ذخیره ارزی ایجاد کرده بود. این امر به این معنی است که با هر میزانی از توسعه یافتگی، با درآمدهای باذآورده، در هر صورت دچار ریخت و پاش می‌شوید. مسأله هم به این صورت است که وقتی براساس یک درآمد ناپایدار، هزینه بایدار ایجاد می‌کنید، درواقع خودتان را نابود کرده اید. از دولت امیرعباس هویدا تا دولت آقای روحانی، هرگاه دچار وفور منابع شدیم، همین اتفاق افتاد. شاید دولت آقای روحانی تصور می‌کرد این بحران رد می‌شود. اما همان‌طور که برای آنان نوشتم، فرض من این بود که بحران قطعاً دو یا سه سال طول می‌کشد. در مصاحبه‌ای گفتم که اگر امروز هم مذاکره با امریکا آغاز شود، مانند دور گذشته، حداقل دو سال طول می‌کشد، همچنین در خوشبینانه‌ترین حالت، بعد از مذاکرات دو ساله، دو سال زمان می‌برد تا صادرات نفت ما احیا شود، بعد از این مدت، نفت با قیمت بشکه‌ای ۳۵ دلار به درد کسی نمی‌خورد، بلکه فقط لقمه‌ای است که لای دندان‌های فساد را پر می‌کند و چیزی به مردم نخواهد رسید.

■ شمارانت‌های ارز ۴۲۰۰ تومانی را فساد دانستید یا فساد کسانی که به امضاهای طلایی دسترسی داشتند. اگر بخواهیم از زاویه «داگلاس نورث» به مسأله نگاه کنیم، این رانت غیرمولد، چه پیامد مثبتی برای حاکمیت داشت؟ ببینید! الزاماً این‌طور نیست که حاکمیت هوشمندانه یا آگاهانه به‌دنبال توزیع چنین رانتی باشد. اگر به رفتار بوروکراسی دولت آقای روحانی در این مدت نگاه کنید، می‌بینید که هدف آنان تثبیت قیمت بود و به همین دلیل در برخی روزها ۸۰ میلیون دلار ۴۲۰۰ تومانی اسکناس در بازار توزیع می‌شد. کسانی که در صف‌های خرید این دلارها حاضر شده بودند، امروز مقیم کانادا هستند. اما محصول جانبی این رویکرد، ایجاد یک طبقه جدید اجتماعی است. همان موقع به دولت پیشنهاد دادم که کوپن کالاهای اساسی توزیع شود که این پیشنهاد رد شد. وقتی می‌گوییم به طبقات محروم کوپن بدهید، رد می‌شود، اما همان توزیع کوپن را در توزیع دلارهای نفتی بین بورژوازی ایران انجام دادید، زیرا وقتی اعلام می‌کنید دلار ارزان می‌فروشیم، کسی وارد صف خرید می‌شود که ریاال دارد، این ریاال را هم بانک مرکزی داده است که سالانه ۲۵ درصد به سپرده‌ها سود می‌دهد، سپرده‌هایی که بابت‌شان سالانه ۲۵ درصد سود داده می‌شود، اما درآمد بانک‌ها از محل آن سپرده‌ها سالانه ۱۵ درصد است. این فرآیند منبع اصلی رشد نقدینگی در ایران به‌مدت ۱۰ سال بودند. درنهایت هم آقای همتی اخیراً این مسأله را مدیریت کرد.

■ وقتی موضوع توزیع ارز ارزان در دولت آقای احمدی‌نژاد و مدیریت آقای بهمنی و بعد در دوره آقای روحانی و مدیریت آقای سیف بر بانک مرکزی تکرار می‌شود، بنابراین نمی‌توانیم بگویم که ما دو نوع مدیریت اصولگرا یا اصلاح طلب داریم.

حتماً نداریم. بگذارید مسأله را